الگوی توسعه به روایت تئوریسین‌های دولت یازدهم

توسعه‌گرایی در مکتب نیاوران

قسمت اول

از جمله شعارهایی که در گفتمان و ادبیات دولت یازدهم کاملاً پررنگ و برجسته مشاهده می‌شود، «توسعه» و «توسعه‌گرایی» است. به نظر می‌رسد خاستگاه فکری این شعار و هدف را بایستی در پیشینه‌ی فکری و گفتمانی جناحی جست‌وجو کرد که منشأ پی‌ریزی تفکر حاکم بر دولت یازدهم است. رضا صالحی امیری، مشاور رئیس‌جمهور و رئیس سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی، که ترجیح می‌دهد از عبارت «مکتب نیاوران» برای اشاره به این حلقه‌ی نظری استفاده کند، خاستگاه گفتمانی دولت روحانی را در مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌داند. در این مقاله کوشیده خواهد شد تا با بخشی از مختلات الگوی توسعه برمبنای چارچوب نظری چهره‌های این حلقه تشریح و بررسی گردد.

راهبرد توسعه‌گرایی

مفهوم توسعه‌گرایی این جریان و انتخاب توسعه به‌عنوان راهبرد ملی، ریشه در زمانی دارد که اعتدال‌گرایان در دیرخانه شورای عالی امنیت ملی، پس از بحث‌های فراوان، توسعه‌گرایی را برگزیدند. دکتر حسن روحانی که خود در آن زمان دبیر شورای عالی امنیت ملی بود، این‌چنین این ماجرا را روایت می‌کند:

یکی از کمبودهایی که پس از پایان دفاع مقدس در کشور ما، احساس می‌شد، تدوین استراتژی ملی بود. با توجه به این اصل که همه‌ی استراتژی‌ها، یعنی استراتژی اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و دفاعی از استراتژی ملی تبعیت می‌گیرند، در آن هنگام، یعنی سال‌های ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰، جلسات فراوانی در دیرخانه‌ی شورای عالی امنیت ملی برگزار شد. شاید بیش از پنجاه جلسه با حضور همه‌ی مسئولین برگزار شد و از همه‌ی وزیران، مسئولین دفاعی و امنیتی و نخبگان، دعوت به بحث نمودیم. نتیجه‌ی جلسات همان مطالبی بود که در آن ایام در روزنامه‌ها و دانشگاه‌ها کپوییش مطرح شد. بحث حقوق‌محوری، رشدمحوری و بسط‌محوری، محصول بحث‌های آن ایام بود. طرح این سه عنوان به این معنا بود که مبنای استراتژی ملی ما [کدام‌یک از آن‌ها خواهد بود؟»[۴]

این‌چنین که از جملات دکتر روحانی برمی‌آید، سه نگاه در میان مسئولان وقت کشور درباره‌ی راهبرد ملی جمهوری اسلامی ایران وجود داشت:

۱. حقوق‌محوری: با محوریت حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران و ارکان آن به‌ویژه منکی به قدرت نظامی

۲. رشدمحوری یا توسعه‌گرایی: برگزیدن الگوی توسعه‌ی تعامل‌گرا و تنش‌زدایی با غرب

۳. بسط‌محوری: گسترش پیام انقلاب اسلامی در جهان

جالب اینجاست که دکتر روحانی در ادامه به مقایسه‌ی دو دیدگاه اول می‌پردازد و دیگر از الگوی سوم سخنی به میان نمی‌آورد. گویی دیگر در میان جلسات وقت دبیرخانه‌ی شورای عالی امنیت ملی به فراموشی سپرده می‌شود. در عین حال، اختلاف‌میان برگزیدن الگوی حقوق‌محور و توسعه‌گرا ادامه می‌یابد و روحانی درخصوص دیدگاه اول از دید دیدگاه توضیح می‌دهد:

منازعه میان این دو دیدگاه ادامه می‌یابد تا آنکه در دهه‌ی هشتاد هجری شمسی، به تعبیر روحانی، مجمع تشخیص مصلحت نظام که ریاستش با هاشمی و قائم‌مقامی مرکز تحقیقات استراتژیک آن برعهده‌ی دکتر روحانی بود، رویکرد توسعه‌گرایی را به‌عنوان «راهبرد ملی» به رسمی گزیند.[۲]

توسعه‌ی بوروزا یا دورن!

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، در منظومه‌ی گفتمانی اعتدال، «توسعه» به‌عنوان غایت اصلی معرفی می‌گردد و این توسعه بیشتر در حوزه‌ی اقتصادی تعریف شده است. در این گفتمان، زیربنای دستیابی به توسعه، آن چیزی است که اصطلاحاً بیرون‌الملی شدن نامیده می‌شود. آنچه وجه ممیزه توسعه‌گرایی مدنظر جناح اعتدال‌گراست، ساخته به بیرون و نفعالگرایانه است. آن‌گونه که به نظر دکتر روحانی، «در دنیای امروز، قدرت ملی بدون رابطه با جهان و همچنین تحریم و پیشرفت داخلی بدون تعامل اقتصادی با جهان، نه‌تنها بسیار بسیار است، اما هیچ ملاحظه‌ی فرافنی در آن مطرح نیست. »

این کارشناس سیاسی ادامه داد: تمرکز کنید که می‌خواهیم در جامعه‌ی مهرنامه در جدیدترین شماره خود در دی ماه 94 خبر از انتشار ماهنامه تخصصی درباره دانش سیاسی با نام «سیاست نامه»، داد. شعار این نشریه «در اندیشه آزادی» است.که با نچفه عقبه فکری این نشریه می توان جای این عبارت ترجمه ای همان کلمه لیبرال و گذاشت : «در اندیشه لیبرالیسم»- مطلبی که با شهادت عناوین مقالات این نشریه تایید میشود. مقالاتی که وظیفه تعلیم لیبرالیسم را در فضای اندیشه ورزی کشور به عهده دارند. عناوینی همچون: درآمدی بر فهم لیبرالیسم در ایران، منافع حق فردی و شخصیا همچنین جلد این نشریه عکسی از جواد طباطبایی نویسنده سکولار جریان روسنفکری مزین شده داست. کتابهای ایشان از مراجع فکری روسنفکری سیاسی و جریان لیبرال کشور است.

این نشریه از گروه نشرات «مهین» است. مجموعه مطبوعاتی «مهین» قبل از ایجاد این شبکه از نشریات روزنامه حزب کارگزاران سازندگی بود. مجموعه نشریات هم مهین هم اکنون شامل نشریات «مهرنامه» در حوزه علوم انسانی «تجربه» در حوزه ادبیات و هنر و دانشنامه در حوزه علوم تجربی و هفته نامه «صدا» در حوزه خبر و تحلیل سیاسی تشکیل شده است. سردبیر این مجموعه نشریات محمد قوچانی از اعضای فعلی شورای مرکزی حزب کارگزاران سازندگی است.

این گروه نشریاتی سه حوزه علوم انسانی،علم تجربی،و ادبیات و هنر را پوشش می دهند و همچنین در سطح وقایع روز جامعه با نشریه مجاز نشریه حزب کارگزاران سازندگی حضور دارند.

جشن تولد کرباسچی در حزب کارگزاران با حضور فائزه هاشمی و محمد قوچانی

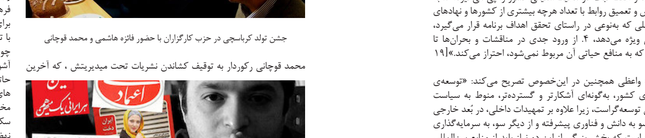

محمد قوچانی رکوردار به توقیف کشاندن نشریات تحت مدیریتشان ، که اخرین

آهنا هقته نامه «آسمان» و روزنامه «مردم امروز». پیش از این نشریات متعددی از اصلاح طلبان را با جرم های مشابه توقیف شدند.[۱۵]

اما در این میان مهرنامه را می توان اصلی ترین پایگاه تمرکز و تربیون انتلاقی جریان روسنفکری لیبرال در کشور دانست که در عرصه جنگ نرم و در بنیادی ترین لایه معرفتی جعبه یعنی علوم انسانی در حال ایفای نقش است. به گفته پیام فضلی نژاد نویسنده کتاب «لازش سری روشنفکران»، ماهنامه مهرنامه اصلی ترین نشریه جریان اپوزیسون و براندازی کشور است:

«سخن اجمالی من در اخرین سخنرانی ام این بود که «ماهنامه مهرنامه» سخنگوی اپوزیسون براندازی خارج از کشور است و حلقه‌ای از «جاسوسان آکادمیک» در خدمت اطلاعات مرکزی آمریکا (CIA) را گردهم آورده و در داخل ایران برای آنان تربیون تبلیغاتی فراهم کرده است. شگفت‌انگیز است که سردبیری این ماهنامه را آقای «محمد قوچانی» بلافاصله پس از آزادی از زندان و محاکمه در دادگاه حوادث پس از انتخابات (موسوم به دادگاه متهمان کودتای مخملی) برعهده گرفت و منابع مالی آن توسط یکی از برجستگان جناح موسوم به «کارگزاران سازندگی» تامین می‌گردد.

صاحب امتیاز و مدیرمسئول و قائم‌مقام مدیرمسئول آن نیز زن و شوهری ساکن بندرعباس هستند به نام‌های «فروزنده ادیبی» و «مهدی شفیع‌نیان» که پیوندهای‌شان با «محسن سازگارا» (بادوی سازمان جاسوسی سیا) در عصر اصلاحات و نشریات زنجیره‌ای -که به تعبیر رهبر معظم انقلاب «کانون توطئه» بودند- قابل بررسی جدی و محل تامل است.همین فعالان در «پایگاه‌های دشمن» در هنگامه‌ای که رهبری «گفتمان‌سازی» در علوم انسانی را با دغدغه‌مندی کمیته‌ی خبویت پیگیری می‌کردند و خواهان نقد جدی علوم انسانی سکولار بودند، از اسفند 1388 ماهنامه «مهرنامه» را ویژه «علوم انسانی» روی کیوسک‌های مطبوعاتی فراستاندند.

در تکمیل آن مدعایم در سخنرانی «نمایشگاه کتاب» بارها تکات جدید دیگری را بیفزایم. اول اینکه، «مهرنامه» نسخه‌ای از ماهنامه‌هایی چون «پارزانامه» و «کتکاش» و «پویش» که توسط نشریات وابسته به کانون سلطنت‌طلب، اپوزیسون سکولار و چپ‌های آمریکایی ساکن اروپا و ایالات متحده در دهه‌های 1360 و 1370 از خارج از کشور به چاپ می‌رسید، اکنون همان نویسندگان و مصنفان و پژوهندگان فراری در «مهرنامه» گفتارهای مناوم و نوشته‌هایی دائم و حضوری پیاپی دارند و من فقط به نمونه‌ی برجسته آن نگاهی کوتاه می‌اندازم: ملت «احمد اشرف» از مدیران بلندپایه «بنیاد اشرف پهلوی» (با همان عنوان «بنیاد مطالعات ایران» به ریاست اشرف پهلوی) در واشنگتن. دی. سی که پیوندهای استوار آن با سازمان جاسوسی CIA را می‌توانید در اسناد کاخ «پس از سقوط» نوشته «احمدعلی مسعودانصاری» ببینید.

«احمد اشرف» از ویراستاران ارشد «دانش‌نامه ایرانیکا» نیز هست که تحت مدیریت برجستگان فرقه شاه بهائیت و وابستگان «اشرف پهلوی» و با مدیریت «احسان یارشاطر» بهایی تحریر و نشر می‌شود؛ یعنی هم با «سیا» و هم با «سلطنت‌طلبان» و هم با «بهائیان» تعاملات رسمی گسترده دارد و مقالا مقالاتی از او با ترجمه «رضا خجسته رحیمی» که دبیر تحریریه «مهرنامه» است در شماره 2 این ماهنامه به چاپ رسید.(خجسته رحیمی هم اکنون سردبیر ماهنامه «اندیشه پویا» است)

طیف دوم «مهرنامه» چهره‌های آکادمیکی هستند که در نشریه 2 این ماهنامه در اسفاط‌طلب از سال 1381 به بعد و به دلایل مختلف شیفته تئوری‌های آن شدند؛ تئوری‌هایی که مستقیماً نسب از راهبردهای CIA می‌برد.

آن نخلهای از «پروشنگران سکولار رادیکال» هستند که چه از حیث تپ‌نمایی با اعضاء «بنیاد اشرف پهلوی» متفاوتند و چه از نظر خصوح و جای پای اشکارتری که در ایران دارند، متمایز می‌گردند و از نمونه‌های شاخص آن می‌توان به «هدیا کاشیگر»، «علی پایا»، «جمشید بهنام» و «دنیک احمدی» اشاره کرد.

متلاً در شماره 2 «مهرنامه» شما مقاله «فضیلت و تور» از «دنیک احمدی» را بخوانید، ایشان البته به هیچ وجه دارای شاخص‌های یک «منفکر اصیل» نیست، بلکه بیشتر یک «مترجم سکولار» است که مثل خیلی از تجدیدنظرطلبان دیگر- از «عبدالکریم سروش» تا «حسین بشیریه»- پیش از انقلاب را در لندن و پاریس گذارند و پس از بازگشت به ایران کارش را با «هنجله فیلم» که بیمارترین جریان سینمایی داخل کشور است، اغاز کرد. احمدی در دهه 1360 به معرفی فیلمسازان «هالیوودی و اروپایی مانند «وم برسون» و «اندری تارکوفسکی» می‌پرداخت و پژوهاش تجربه ناقفه فرهنگی- هنری مخاطبان ایرانی بود . » [ii]

همچنین دکترشهریار زرشناس درباره این نشریه چنین می نویسد:

«مهرنامه از آغاز انتشار خود در دو سال قبل کوشید تا چونان چتری تئوریک و تروییتی فراگیر برای طیف رنگارنگ نویسندگان و مترجمان و ایدئولوگ های سکولاریست مدرنیست عمل نماید.

وجه غالب جریان فکری مطبوعاتی مهرنامه، ترویج نئولیبرالیسم اقتصادی و سیاسی و فرهنگی است. هر چند که این نشریه کوشیده است تا به عنوان رسانه و تریبونی برای طیف رنگارنگ مخالفان جمهوری اسلامی و اپوزیسیون فرهنگی و سیاسی با تمایلات مختلف عمل نماید از این رو است که در مهرنامه حاضر حضور افرادی چون: خشایار دیهیمی، عبدالله فولادوند، مهرزاد بروجردی، سروش دباغ، داریوش آشوری، داریوش شایگان، تورج اتابکی، علی رضا میرسیانی، همایون کاتوزیان، حاتم قادری، احسان نراقی و بسیاری تکثو کرات - بورو کرات های مروج ایدئولوژی های مختلف عالم مدرن هستیم.

مجرح مشترک افرادی که ارکان هویت فکری مهرنامه را تشکیل می دهند، ترویج سکولاریسم مدرن می باشد، و اگر چه در طیف همکاران مهرنامه از لیبرال های نهضت آزادی و نئولیبرالهای به اصطلاح روشنفکری دینی گرفته تا همکاران نشریات سلطنت طلب خارج کشور و مرتبط با بنیاد اشرف پهلوی دیده می شوند، اما وجه غالب و اصلی و مشترک مهرنامه، هویت نئولیبرالی آن است.

دبیرسر مهرنامه از «آزادی خواهی نام می برد و می گوید که تنها «آزادی» خواهی است که می تواند هزینهٔ اقتصادی.آ ز توتالیتاریسم دینی تا... را دگرگون سازد» «آزادی» خواهی تجربه تحت اللفظی لیبرالیسم است و آن گونه که سردبیر می گوید مهرنامه به «متفکران آزادیخواه در اقتصاد، سیاست، حقوق و فلسفه» را مورد «توجه» قرار داده است.

البته نه با نگاهی به محتوای اکثر مقالات و مصاحبه ها و گزارش ها و نیز اسامی نویسندگان و مترجمان می توان به خوبی این «طوفان لیبرالیسم» [اگر بخواهیم دقیق تر سخن بگوییم:نئولیبرالیسم] در فنجان» را به وضوح مشاهده کرد.» [iii]

همچنین وحید جلیلی در نقد یکی از مقالات مهرنامه چنین می نویسد:

«این همه اعتماد به نفس لیبرال به یا خواسته شده ما در سانسور تاریخ انقلاب و خط زدن نام سیجان حمینی از فهرست آمریکا سنتیران ایران از کجا می آید؟ این راست لیبرال چرا این چنین در اعماق کوچه علی چپ ماوا گرفته است؟ ایا این تعافل را هم باید با سراسیمگی و هیجان کودکانه ای که املای کلمات را هجی کند؟ از بادش بدید تجویه کرد یا قطعه ای از بازار رندانه ای دانست که مجموعه ذوق زدگان این روزها برای تحریف سرافرازترین انقلاب مردمی جهان تدارک می بینند؟

گروهی از این ذوق زده ها مثل لیبرال به یا خواسته مهرنامه راه را از تاریخ خیابی و خودساخته شان هم می زنند و گروهی دیگر تصویر او را با خاطره هایی که تنها شاهدش خودشان اند خط خطی می کنند.» [iv]

نام های مشترکی که در تجربیه این مجموعه نشریات دیده میشود . عنوان گروه نشریات هم میهن برای تمامی این نشریات و نیز سمت های سیاسی سردبیر و بعضی از اعضا تجربیه وابستگی این مجوعه تشکیلاتی را به حزب کارگزاران سازندگی [که از درون دولت سازندگی بوجود آمد و لیبرال بودن خود را نیز پنهان نمی کنند] وظیفه و علمی و علنی است.

از نظر عملکردی ، این گروه نشریات زنجیره ای در کنار سایر نشریات اصلاح طلب ایشخوفرکتی طبقه متوسط کشور است که هر ماه توسط این نشریات در کنار انبوهی از انتشارات و کتاب معرفی شده در این نشریات شارژ فکری و معرفتی می شوند. تا در یکسان سازی سلیقه این طبقه و اجماع راسلدن اجماع و تعامل در میان مدرن و سکولار و قرائت لیبرال از اقتصاد و فرهنگ و سیاست حاصل مناسبی برای طیف سیاسی غربگرایان داخلی عمل نماید و در فتوپای مناسبی همچون انتخابات نهاد قدرت و تصمیم سازی را فرصت کند و از طریق جریان مدیریت تکوراتیک داخلی که «وجه اجرایی» جریان روشنفکری در کشور هستند کشور را به سمت هضم در اقتصاد و فرهنگ و سیاست جهانی پیش می برد و گفتمان انقلاب را به عنوان راه سوم و راه نه شرقی و نه غربی را از حرکت انداخته و از دورن

نگاهی به حضور پر شمار نشریات جریان لیبرال کشور در استان

محمد قوچانی یکی از عناصر فعال رسانه‌ای اصلاح طلب است که فعالیت رسانه ای خود را از همکاری با نشریه عصرما – ارگان مطبوعاتی سازمان مجاهدین انقلاب – آغاز کرد و بعد از همکاری با رزنامه‌های عصرآزادگان، جامعه، نشاط، خرداد و اخبار اقتصادی، با گرفتن مسئولیت سردبیری همشهری هدایت به یکی روزنامه نگاران شاخص اصلاح طلب تبدیل گشت و بعد از این نیز مسئولیت هدایت چندین روزنامه و هفته نامه را بر عهده گرفت.

با آغاز به کار دولت یازدهم فعالیت رسانه‌ای قوچانی افزایش یافت و با تبدیل امتیاز هفته نامه «آسمان» به روزنامه، قوچانی و تیم همراهش دور جدیدی از فعالیت رسانه‌ای در کنار انتشار ماهنامه «مهرنامه» و «تجربه» را آغاز کردند.

پایان حل روزنامه آسمان بعد از گذشت شش روز از انتشارش، به علت توهین به مقدسات و غیر اسلامی خواندن حکم قضایی توقیف شد.

بعد از توقیف روزنامه آسمان ، این تیم رسانه‌ای هفته نامه صدا را منتشر کردند که حالا بعد از نزدیک به هشت ماه فعالیت به روزنامه مردم امروز کوچ کرده‌اند. این مسئله بهانه ای شد تا با مرور کارنامه محمد قوچانی در عرصه مطبوعات به بررسی نشریاتی بپردازیم که در زمان سردبیری قوچانی به تعطیلی کشانده شده است.

روزنامه‌های زنجیره ای

فعالیت رسانه‌ای قوچانی هم زمان با رشد روزنامه‌های زنجیره آغاز شد و وی با بیشتر روزنامه‌های توقیف شده همکاری داشت. روزنامه‌های جام جام، نشاط، عصر آزادگان، خرداد و اخبار اقتصادی از جمله این روزنامه‌هاست که در مدت فعالیت قوچانی به تعطیلی کشیده شد.

توقیف همشهری ماه

روزنامه همشهری به ابتکار غلامحسین کرباسچی شهردار وقت تهران در تیرماه ۱۳۷۲ در آذرماه سال ۱۳۷۱ فعالیت خود را آغاز کرد. بعد از گسترش فعالیت و کسب اعتبار، همشهری دست به چاپ ویژه‌نامه‌ها و ضمیمه‌های مختلف در کنار انتشار روزنامه زد که با استقبال زیادی مواجه شد. همین مطلب عاملرنامه سردبیر وقت روزنامه همشهری، محمد قوچانی را به سردبیری همشهری ماه «ضمیمه فرهنگی روزنامه همشهری» منصوب کرد تا وی اولین تجربه سردبیری را در مجموعه همشهری تجربه کند.انتشار این ماهنامه توسط قوچانی زمان زیادی به طول نینجامید و این ماه نامه به انتهام تخلف از قانون مطبوعات و انتشار بدون مجوز و غیرقانونی توقیف شد. بعد از این قوچانی و تیم همراهش به انتشار همشهری جهان به عنوان ضمیمه همشهری پرداختند.

توقیف همشهری ماه

روزنامه اصلاح‌طلب مردم امروز با حضور محمد قوچانی در ۶ دی سال جاری منتشر شد و عصر امروز(شنبه 27 دی) با حکم دادستانی تهران به دلیل حمایت از روزنامه هتاک فرانسوی که کاریکاتوری موهن را علیه پیامبر اسلام(ص)منتشر کرده بود، توقیف شد.

[i] : گفتگوی سایه فضلی نژاد با ماهنامه فرهنگ عمومی
14392/http://www.seratnews.ir/fa/news

پی‌نوشت:

[i] :

بر اساس تسنیم، روزنامه مردم امروز به سردبیری محمد قوچانی به دلیل تبتری با مضمون حمایت از رسانه هاتک به ساحت مقدس پیامبر مکرم اسلام با دستور دادستانی توقیف شد؛ نکته‌ای که در ایین‌راه قابل توجه است رکود محمد قوچانی» در توقیف کردن رسانه‌های اصلاح‌طلب است.

انتشار روزنامه مردم امروز به سردبیری قوچانی در حالی است که وی سردبیری هفته نامه صدا و مهرنامه را نیز بر عهده دارد. به همین منظور سردبیری هفته نامه صدا به سعید لیلاز واگذار شد و قوچانی به همراه تیمش به روزنامه «مردم امروز» کوچ کرد تا سیطره سلسله نشریاتی که با حمایت غلامحسین کرباسچی منتشر می‌شود گسترش یابد.

[ii] : لیبرالیسم عقیده» | امپریالیسم | نقد سرمقاله مجله مهرنامه با عنوان «لیبرالیسم علیه امپریالیسم»
923=http://jalili-vahid.ir/fp

[iii] :

بررسی رویکرد نولیبرالی ماهنامه مهرنامه توسط دکتر شهریار زرشناس – کتاب تنکوکراسی

[iv] : لیبرالیسم علیه پیامبر اسلام(ص)»- در توقیف کردن رسانه‌های اصلاح‌طلب است.

منبع: خبرگزاری تسنیم

http://1fanoos.ir/

در این میان محدود نشریات جبهه مقابل که تحت عنوان نقد جریان روسنفکری و بسط گفتمان انقلاب اسلامی در حوزه های علوم انسانی و فرهنگ و هنر در کشور منتشر می شوند در استان ما جایی نداشته و عرضه نمی شوند. برای مثال روزنامه «وطن امروز» ، هفته نامه «پنجره» ، ماهنامه «راه» و «خطوه وصل» و «دوماهنامه گفتمان الگو» در استان ما پخش نمی شوند.

نداشتن این حق انتخاب و کویسک های که انبوهی از روزنامه ها و نشریات منسجم و شبکه ای به بسط جریان روشنفکری و تطهیر و ترویج لیبرالیسم اشغال شده اند و گفتمان نقاد و مقابل حاکمیت را تضعیف می کند و در این نبرد نابرابر ساتسور می شود برای آینده معرفتی و فرهنگی استان پیش از انکه انتظار رشد چشمگیر در حوزه معرفتی برای نسل جوان و مدنیت و دانشگاهیان و سایر اقشار داشت باید انتظار هم در این سیل مطبوعاتی را کشید. عامه مردم در استان توسط ماهواره های خارجی و حتی در خانوادگی شدن فکری و معرفتی همبستد و فرهنگی می گیرند و در این نشریات جریان منسجم و شبکه ای. هم اکنون عرضه نشریات در استان ما به چهار حوضه محدود شده است.

توقیف آسمان

روزنامه آسمان که اولین شماره آن در 26 بهمن 92 منتشر شد تنها بعد از 6 شماره به انتشار مطلقی به نقل از هرمیلس بلوند حکم قرآنی و الهی قصاص را غیراسلامی خواند و به همین دلیل و یا بنا به اعترافات گسترده جریان‌های سیاسی من جمله بخشی از جریان اصلاحات، به حکم دادسرای عمومی و انقلاب تهران در روز پنجشنبه 1 اسفند 1392 توقیف شد.

و مردم امروز

روزنامه اصلاح‌طلب مردم امروز با حضور محمد قوچانی در ۶ دی سال جاری منتشر شد و عصر امروز(شنبه 27 دی) با حکم دادستانی تهران به دلیل حمایت از روزنامه هتاک فرانسوی که کاریکاتوری موهن را علیه پیامبر اسلام(ص)منتشر کرده بود، توقیف شد.

مجتبی جوان نیخ

پسا انقلاب اسلامی یا پسا برجام؟!

۲ تعبیر کلیدی در گفتارهای شهید دکتر بهشتی وجود دارد که به نظر می‌رسد، صرفا ۲ جمله عادی نیست؛ بلکه ۲ استراتژی اساسی برای فهم اسلام برای حکومت‌داری و ادراه جامعه نیز هست. شهید بهشتی در عبارتی معنادار در تئوری‌پردازی انقلاب اسلامی می‌گویند: «ما نیامده‌ایم جامعه دیگری نسبت به حکومت گذشته بنا‌ئیم. انقلاب اسلامی آمده است، تغییر حکومت لازم است».

شهید آیت‌الله بهشتی جمله دیگری نیز دارد که به این مضمون که «اسلام در آغاز، یک انقلاب بود و همواره باید یک آیین انقلابی بماند».

با مداقه‌ای درباره عبارات فوق که در نظریه‌پردازهای دکتر بهشتی برای دوران پساانقلاب اسلامی است، یکی از اساتید دانشگاه حسابی قیلی قیلی‌تر از این، این عبارات را این‌طور تحلیل می‌کند که دنیا بنید تبدیل به توجیه‌گر وضع موجود و توجیه‌گر خطاهای ما شود؛ چون، موتور اجتماع، تغییر و تحول است. دین، ایده کردند و فرمودند: «بگویید به ایشان قلبی نامه را پاره کرد. چند بار من به شما بگویم که انقلاب، «انقلاب اسلامی» است. «انقلاب» در ایران کار نکرد، این «اسلام» بود که کار کرد» اسلام بدون انگیزه‌های انقلابی که نه و نه، تحول و پویایی ایجاب می‌کند و انقلاب بدون دروزمانه اسلامی که نو به نو شاخه‌های جدید برای پرسش‌های جدید دارد، چه کارکردی دارد؟

در همین فرانسه‌ای که رئیس‌جمهور محترم و وزرا تازه از سفرش برگشته‌اند بود که بازرگان روز سراغ اماام(ره)، اصلا امید نداشت که وی برگردد. این را چندباری هم به امام گفته بود که «شما بیایید یک دولت اتشی تشکیل دهید و در انقلاب را ادامه دهید. اما برگرار کنیم و نمایندگان‌مان را به مجلس بفرستیم و کم‌کم نظام را از دست شاه در اوریم.»

هر کس زیر ۵۰۰ هزارتومان درآمد دارد تهران را ترک کند چون نمی‌تواند هزینه‌های چنین شهری را پرداخت کند. این نوع تفکر نشان از یک عقل لیبرال است که فقط جنبه فردی و اقتصادی دارد و مسایل فرافنی و فراتکنیکی مدنظر نداشته‌اند. در همین دقایق و دقایق اخیر، شاهد تحولات مهمی در تفکر و فراتکنیکی ما هستیم. مهم‌ترین تحولات در فضای اجتماعی ایران خصوصا در بین مذهبی‌ها با مراجع دینی و دوری آنها از این جریانات می‌تواند به نقطه عطف تبدیل شود. این تحولات تکنولوژیک به لحاظ اجتماعی به طبقه متوسط شهری خصوصا در شهرهای بزرگ با واکنش مثبتی روبروست و اساسا در این پایگاه اجتماعی سمپات و هوادار دارد.

●● مفهوم تکنوکرات بین مذهبی‌ها با منفی دارد

کارشناس مسائل سیاسی با اشاره به نادیده گرفتن تجعد آسوی تکنوکرات‌ها ادامه داد: عقل ابزاری چیز بدی نیست و عقلانیت دینی ما یک امر منفی نداریم. آنچه عقلانیت دینی ما را تشکیل و تعارض دارد، بحث سلطه عقل ابزاری است که در مفهوم تکنوکراتیسم وجود دارد. به طور مثال زمانیکه کرباسچی در دهه ۷۰ شهردار تهران بود می‌گفت باید تهران از نظر مدرن بودن تبدیل به شهری بشود که هر کس زیر ۵۰۰ هزارتومان درآمد دارد تهران را ترک کند چون نمی‌تواند هزینه‌های چنین شهری را پرداخت کند. این نوع تفکر نشان از یک عقل ابزاری است که فقط جنبه فردی و اقتصادی دارد و مسایل فرافنی و فراتکنیکی مدنظر نداشته‌اند. در همین دقایق و دقایق اخیر، شاهد تحولات مهمی در تفکر و فراتکنیکی ما هستیم. مهم‌ترین تحولات در فضای اجتماعی ایران خصوصا در بین مذهبی‌ها با مراجع دینی و دوری آنها از این جریانات می‌تواند به نقطه عطف تبدیل شود. این تحولات تکنولوژیک به لحاظ اجتماعی در طبقه متوسط شهری خصوصا در شهرهای بزرگ با واکنش مثبتی روبروست و اساسا در این پایگاه اجتماعی سمپات و هوادار دارد.

●● دوران سازندگی دوران تجلی عقل ابزاری و تکنوکراتیک بود

وی دوران سازندگی را دوران تجلی بروکراسی و عقل ابزاری و تکنوکراتیک دانست و اظهار داشت: ساختن پل، جاده و دغدغه‌های سخت‌افزارانه در دایل این تفکر مطرح می‌شود و توجه ندارند که این مسیر چگونه طی می‌شود و در واقع دغدغه‌های فراتر از دغدغه‌های فنی نداشته‌اند و ما تحولات اجتماعی و تغییرات ارزشی را در دوره هاشمی و علیه تکنوکرات‌ها داشتیم که جامعه را از ارزش‌های عدالت‌خواهانه و ساده‌زیستی و مبارزه با اسراف و طرفداری از قناعت به یک جامعه مصرف‌گرا، تجمل‌گرا و ثروت‌گرا تبدیل کرد. چرا که آنها با عقل محدود ابزاری تصمیم می‌گرفتند و فراتر از آنکه ابزاری و تکنیکی دغدغه آن نداشتند. شهردار اسبق تهران کرباسچی نیز به دنبال این بود که تهران را به یک شهر مدرن تبدیل کند. در حالیکه به چه قیمت و چه هزینه‌ای چندان برایش مهم نبود.

امینی با بیان اینکه ظاهرا عقل ابزاری یک نوع عقلانیت قابل فرار از ارزش انگاشته می‌شود که از یک نظر درست است چون در تصمیماتش دغدغه ارزش‌های اخلاقی و انسانی ندارد اما در باطن خودش دیدی ایدئولوژیک دارد چرا که برای خودش بایدها و نبایدهای کاملا مشخصی دارد.

●● مفهوم تکنوکرات بین مذهبی‌ها با منفی دارد

کارشناس مسائل سیاسی با اشاره به نادیده گرفتن تجعد آسوی تکنوکرات‌ها ادامه داد: عقل ابزاری چیز بدی نیست و عقلانیت دینی ما یک امر منفی نداریم. آنچه عقلانیت دینی ما را تشکیل و تعارض دارد، بحث سلطه عقل ابزاری است که در مفهوم تکنوکراتیسم وجود دارد. به طور مثال زمانیکه کرباسچی در دهه ۷۰ شهردار تهران بود می‌گفت باید تهران از نظر مدرن بودن تبدیل به شهری بشود که هر کس زیر ۵۰۰ هزارتومان درآمد دارد تهران را ترک کند چون نمی‌تواند هزینه‌های چنین شهری را پرداخت کند. این نوع تفکر نشان از یک عقل ابزاری است که فقط جنبه فردی و اقتصادی دارد و مسایل فرافنی و فراتکنیکی مدنظر نداشته‌اند. در همین دقایق و دقایق اخیر، شاهد تحولات مهمی در تفکر و فراتکنیکی ما هستیم. مهم‌ترین تحولات در فضای اجتماعی ایران خصوصا در بین مذهبی‌ها با مراجع دینی و دوری آنها از این جریانات می‌تواند به نقطه عطف تبدیل شود. این تحولات تکنولوژیک به لحاظ اجتماعی در طبقه متوسط شهری خصوصا در شهرهای بزرگ با واکنش مثبتی روبروست و اساسا در این پایگاه اجتماعی سمپات و هوادار دارد.

تکنوکراسی چیست؟ تکنوکرات کیست؟

پرویز امینی

یک پژوهشگر مسائل سیاسی با بیان اینکه مفهوم تکنوکرات بین مذهبی‌ها باز منفی دارد و دولت سازندگی دوران تجلی این تفکر است گفت: مفهوم تکنوکراتیسم در سطحی عمیق‌تر در «عقلانیت ابزاری» ریشه دارد.

پرویز امینی محقق و پژوهشگر مسائل سیاسی در گفتوگو با خبرنگار حوزه احزاب خبرگزاری فارس، درباره مفهوم تکنوکراسی و مفهوم تکنوکرات اظهار داشت: تکنوکرات از لحاظ لغوی به معنای حاکمیت تکنیک است و حاکمیت فن و تکنیک به خودی خود به معنای یک جمهوری اسلامی اعم هست چون تکنیک است که به وی فنان یا متخصص گفته می‌شود.

امینی با اشاره به اظهار نظر برخی افراد مبنی بر اینکه تکنوکرات چیز بدی نیست تصریح کرد: بحث درباره این نیست که تخصص و استفاده از فناوری خوب است یا بد بلکه بحث بر سر این است که «سلطه تکنیک» یا «سلطه متخصص» خوب است یا نه؟ وقتی بر اساس تکنیک و فن آوری تاکید داریم معنایش این است که در «تصمیم گیری» درباره مسایل و پدیده‌ها و «اشتخاب» راهها و کارها باید از دغدغه‌های فنی و تکنیکی نشان «درجه اول» را دارند و بر سایر دغدغه‌ها «ارزشی و انسانی و اخلاقی» ترجیح می‌یابند و مسئله و منافقه از این جا آغاز می‌شود.

●● مفهوم تکنوکراسی در سطحی عمیق‌تر در «عقلانیت ابزاری» ریشه دارد

این کارشناس مسائل سیاسی با تاکید بر اینکه تکنوکرات هیچ دغدغه فرافنی و فراتکنیکی را اعم از دین و اخلاق در مناسبات تصمیم گیری خود به رسمیت نمی‌شناسد، ادامه داد: مفهوم تکنوکراسی در سطح بالاتر و عمیق‌تر در مفهوم «عقلانیت ابزاری» ریشه دارد و فهم درست و عمیق